

متن پرسش

سلام خدمت استاد: قسمتون میدم به این دهه محرم خودتون جواب منو بدین. استاد بعد از این همه گرفتاری و بدبختی متوجه مسئله ایی شدم که تمام دنیا روی سرم خراب شد. از بچگی با تمام بی محبتی ها، کمبود عاطفه، دعوا و داد و بیداد بزرگ شدم راهمون یک جورایی انتخاب کردم که آدم بشم اینقدر زندگیم بدتر شد که نماز را کنار گذاشتم، البته به طرز بدی آخرش هم به جایی رسیدم که نمیتونم خدا را ببخشم و اهل البیت برام معنا ندارن، من خیلی توسل داشتم برای خوندن نماز برای خوش اخلاقی برای صبر، اما همش نتیجه عکس داد، اون هم شرایط زندگی من که از ناله و نفرین گرفته تا خوار و زاری بین دوست و ناآشنا. من کی هستم نمیدونم حالا بعد از این همه بی دینی و بی عزتی متوجه قضیه ایی شدم که مربوط به مسائل درونی خودم میشه این همه بی عدالتی برای چیه؟ کم گناه داشتم که این هم اضافه بشه و مهر خلاصی به جهنم را برام بزنه دیگه نمیدونم چیکار کنم، تمام وجودم برای لحظه های پاک و خوب پرمیکشه، برای اینکه تمام فکر و وجودم و جسمم پاک باشه، اینها را از خدا خواستم بدتر شد، که اوضاع رسیده به خودکشی، میخوام به خودم ثابت کنم مرگ دست خودم هست واقعا به این نتیجه رسیدم که من باید به دنیا میومدم تا جهنم خدا جهنمی داشته باشه، این گرفتاریها هم میخواد برای مومنین تو بهشت دلیل باشه برای جهنمی بودنم هر چی فکر می کنم هر چی توسل، هر چی برنامه ریزی به ساعت نرسیده فاجعه رخ میده مگه بالاتر از این هم داریم که همش بگی غلط کردم خودت کمک کن دستم رو بگیر نفرین شدن برای چی بود؟ خود خدا هم از همه روزگرم خبر داد و میدونست و میتونست محبت من رو تو دل پدر و مادرم بزاره میتونه مریضی روح رو شفا بده هر چه بدی هست از من اعتراف می کنم ولی یک ذره آرامش هم ندارم، شرمنده استاد اما عاجزانه ازتون درخواست مشاوره دارم ازتون ممنونم من به آخر رسیدم، خودکشی برام معنا پیدا کرده از همه عذابش خبردار اما من نمیتونم آلوده زندگی کنم تمام وجودم استرس و سیاهه من کمترین نشونه را میخوام اما خدا دریغ میکنه من فکر روحم و جسم آلوده شده دارم زجر می کشم هیچ کس نمی فهمه من چی میگم واقعا خدا کی هست؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بالاخره باید جواب اندیشه‌ی خود را با تأمل در معارف حقه‌ی الهی بدهید تا این حالات به سر و سامان بیاید. بنده پیشنهاد دنبال کردن مباحث «معرفت نفس» را دارم. موفق باشید

